

رویه قضایی

احاله دعوی تصرف عدوانی

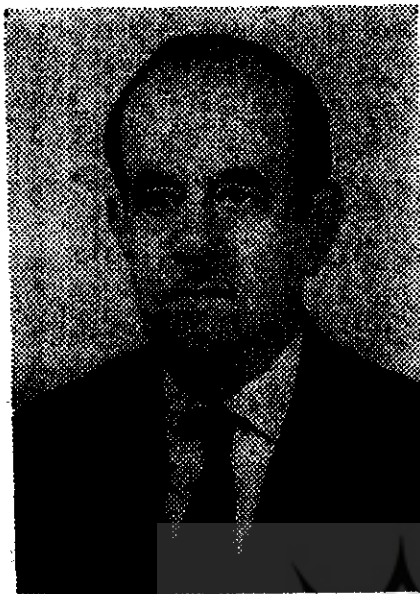
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علی اصغر شریف
مستشار دیوانعالی کشور

آیا دادستان شهرستان می‌تواند دعوی تصرف عدوانی مطروح در حوزه قضایی خود را بمناسبت اظهار نظر قبلی با صدور قرار عدم صلاحیت به حوزه قضایی دیگر احاله دهد؟

قبلا جریان دعوایی که در دادسرای شهرستان س. مطرح بود و دادستان شهرستان مزبور با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را

بدادسرای شهرستان ك. احاله داده و حكمی راهم كه در این خصوص از شعبه ششم دیوان عالی کشور صادر شده است، عیناً نقل می کنیم و نظر خود را هم اظهار می داریم :



علی اصغر شریف

« کسی بر چند نفر در دادسرای شهرستان س. بعنوان رفع تصرف عدوانی اقامه دعوی کرده و توضیح داده كه شركت برق س. كارخانه ناقص و معیوب خود را بمدت هفت سال بمن اجاره داده و با صرف مبلغ هنگفتی آنرا تعمیر و آماده كار نموده و تا تاریخ ۷ خرداد ۱۳۴۶

متصرف بوده و شخصاً نیز يك كارخانه آردسازی نصب كردم و در تاریخ مزبور بدست فرمانداری س. دو نفر پاسبان كارخانه برق و آردمرا تصرف کرده اند و بدین جهت بطرفیت آمرین و مأمورین و مر تکبین اقامه دعوی می شود و تقاضای رفع تصرف عدوانی و نان را دارم...» پس از جریان دعوی بر اثر ایراد وکیل شاکی بردادستان س. بعنوان اینکه از جهت «اظهار عقیده قبلی» حق رسیدگی باین دعوی را ندارد و قبول دادستان ایراد را و نیز از جهت «صالح نبودن عضو علی البدل و مدیر دفتر دادگاه س. برای رسیدگی باین دعوی پرونده به دادسرای ك. فرستاده می شود و دادسرای مزبور پس از رسیدگی سبق تصرف خواهان و حقوق تصرف خواندگان را محرز دیده و مقرر داشته كه كارخانه و موتور و آسیا و شبکه و ساختمان و اراضی به تصرف خواهان داده شود .

از این حکم عده‌ای از محکوم‌علیه‌م در دادگاه شهرستان ك .
پژوهش خواسته‌اند و وکیل عده دیگر نیز بعنوان شخص ثالث اعتراض
کرده که چون کارخانه برق متعلق بعهده‌ای از اهالی س. و فقط يك-
سوم آن متعلق بشهرداری است و حکم صادر از طرف دادسرا بنفع
خواهان و ضرر شهرداری و غیره خلل بحقوق مالکین می‌آورد، لذا با
اجازه ماده ۵۸۲ آیین دادرسی مدنی بر حکم مزبور معترضم.

دادسرای شهرستان ك در نتیجه رسیدگی قرار رد دعوی اشخاص
ثالث را داده است. از حکم و از قرار مزبور نیز اشخاص ثالث پژوهش
خواسته‌اند؛ دادگاه شهرستان ك . چنین رای داده است :

« اعتراضات پژوهشخواهان بر دادنامه پژوهشخواسته نسبت
بدعوی اصلی خلاصه بشرح زیر است:

۱- هر چند صلاحیت محلی دادگاه شهرستان س. است، معیناً
احتیاطاً بدادگاه شهرستان ك . نیز درخواست تقدیم می‌شود تا بعداً
تکلیف صلاحیت معین گردد.

۲- چون مال در حوزه قضایی کر. است، دادسرای ك . صلاحیت
رسیدگی را نداشته و اظهار رد دادستان مدلل نیست.

۳- در تمسك پژوهشخوانده با جاره نامه رسمی و اعتراف به
اینکه بعنوان اجاره‌متصرف بوده، بموجب ماده ۸ و ۹ قانون جلوگیری
از تصرف عدوانی نمی‌تواند بعنوان تصرف عدوانی شکایت نماید.

۴- چون پژوهشخوانده بر طبق گواهی دادگاه س. دعوای ماهیتی
اقامه کرده طبق ماده ۳۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌تواند اقامه
دعوی تصرف عدوانی نماید.

۵- قسمت عمده اسباب کارخانه برق س. قابل تفکیک و جدا
کردن است، بدون اینکه تولید خرابی نماید. با این وصف و با
توجه بماده ۷ قانون تصرف عدوانی و ماده ۱۴ قانون مدنی و مواد ۳۳۳

و ۳۳۴ آیین دادرسی مدنی کارخانه مشمول اموال غیر منقول نمی باشد.

دادسرای ك. در وضعیت تصرف رسیدگی نکرده، زیرا این-جانیان هیچ کدام تصرف در کارخانه نداریم. فقط چند نفری بعنوان هیئت مدیره یا شرکا موقه برای حفظ کارخانه مختصر دخالتی نموده و با سلب سمت از چندی پیش دخالت به طرف و بدادسرای ك. نیز اطلاع داده شده است.

بنظر دادگاه اعتراضات مذکور هیچ يك موجه و قابل ترتیب اثر نیست، زیرا

اولاً اگرچه از طرف پژوهشخوانده بر صلاحیت دادگاه ایراد نشده، ولی نظر بتقدیم دادخواست پژوهشی از طرف پژوهشخواهان و بقسمت اخیر ماده ۵ قانون جلوگیری از تصرف عدوانی که می گوید «مرجع شکایت اگر حکم از طرف مدعی العموم بوده، محکمه بدایت محل خواهد بود»، از منطوق و مفهوم ماده مزبور چنین برمی آید که منظور از محکمه دادگاه شهرستانی است که طبق ماده ۱۳ قانون سازمان دادگستری دادرسی در نزد آن تأسیس شده و چون رأی صادره بدوی از دادرسی شهرستان ك. صادر شده، این محکمه مرجع پژوهشی از حکم صادره دادرسی می باشد.

ثانیاً هر چند مال موضوع تصرف عدوانی و حوزه قضایی کر. است، ولی نظر بمندرجات پرونده و با توجه باظهار نظری که از طرف دادستان س. شده و با استناد اظهار عقیده در انجمن نظارت هزینه شهرداری بکیفیت اشعاری در قرار صادر بدستور ماده ۲۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی از رسیدگی امتناع کرد، و بنا باظهار مشارالیه در قرار مذکور و استفاده از شرحی که بعداً پژوهشخواهان راجع به تعیین شدن دادیار بدادسرای شهرستان ك. نوشته اند، دادیاری هم در موقع

رسیدگی حضور نداشته است و نظر بفقدان مأمور صالح دیگری در محل و با توجه بمواد ۳ و ۴ و ۲۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی و با استفاده از روح مواد و اینکه تعویق رسیدگی در احقاق حق جایز نیست، ارجاع پرونده به دادرسی ك . و رسیدگی آن دادسرا مانع قانونی نداشته است .

ثالثاً استناد بماده ۸ و ۹ قانون تصرف عدوانی بيمورد است ، زیرا ماده ۸ قانون مزبور ناظر بموردی است که بین موجر و مستأجر با صاحب مال و امین راجع به تخلیه ملک پس از انقضای اجاره مقررات و شرایط خاصی معین نشده باشد، در صورتی که در این موضوع مورد بحث علاوه بر اینکه طی قرارداد رسمی مندرج در پرونده هنوز موعد واگذاری خاتمه نیافته ، اساساً بر علیه شرکت مستقلاً اقامه دعوی نشده نامورد مشمول ماده مذکور فرض شود، بلکه بطرفیت متصرفین عدوانی اقامه دعوی گردیده است و استناد بماده ۹ آن قانون با توجه بمنطوق و مفهوم آن ماده مربوط باختلاف بین موجر و مستأجر دکان و مغازه و کاروانسرا بوده و مقررات قسمت ب از بند ۸ نظامنامه جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۱۳۰۹ صریحاً خاطر نشان می کند که مقررات تصرف عدوانی بهیچ وجه در روابط بین موجر و مستأجر دکان و مغازه و کاروانسرا مؤثر نبوده و حتی تذکر می دهد که مأمورین باید کمال مراقبت و دقت در این مورد مرعی داشته و برای مفاد ماده مزبور قایل به بسط و توسعه نگردند .

رابعاً ماده ۴۳۱ آیین دادرسی مدنی ناظر بموردی است که خواهان تصرف عدوانی راجع باصل مالکیت و حق ارتفاق و انتفاع بطرفیت همان خواننده تصرف عدوانی قبل از اقامه دعوی تصرف عدوانی دعوی ماهوی اقامه نماید: بنا بر این با توجه بگواهی شماره ۷/۲۰ - ۲۶/۱۱/۲۹ دادگاه شهرستان س . موجود در پرونده

اشعاری بصحت این ایراد نداشته و مندرجات آن حکایت از شکایت پژوهشخواهان بطرفیت شرکت برق بخواسته تسلیم دینام و الزام به تعمیرسیمکشی شبکه برق بوده و راجع بموضوع مالکیت یا حق ارتفاق اقامه دعوی نشده است .

خامساً هر چند مصالح کارخانه برق فی حد ذاته منقول و نقل آن مستلزم خرابی خودمال یا محل آن نیست ، ولی باتوجه بقسمت اخیر ماده ۱۲ قانون مدنی که راجع به تعریف اموال غیر منقول بیان داشته ، می رساند که مال منقول بواسطه عمل انسان ممکن است غیر منقول شود، بنحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن گردد و چون اجزا و مصالح کارخانه بواسطه عمل اشخاص بهم متصل و بابتون مسلح در زمین بکار رفته غیر منقول شده و تفکیک و جدا کردن آن باعث خرابی یا نقص کارخانه خواهد شد و با توجه باطلاق ماده ۲ قانون جلوگیری از تصرف عدوانی درباره اموال غیر منقول و نظر بنظامنامه مربوط در این مورد، موردی برای صحت این ایراد باستناد ماده ۳۲۳ و ۳۲۴ باقی نیست .

سادساً هر چند پژوهشخواهان نسبت بدخالت هیئت مدیره در کارخانه اقرار کرده اند ، ولی باتوجه برونوشت مدارك و مستندات تقدیمی و کیل پژوهشخوانده در مرحله بدوی موجود در پرونده ولوایح تقدیمی پژوهشخواهان بدادسرا و اقرار صریح سه نفر از پژوهشخواهان در لایحه مورخ ۲۶/۳/۱۱ تقدیمی و هم چنین اعتراف پژوهشخواهان نزد دادستان استان پ . و نماینده دیوان کیفر مؤیداً بشهادت شهود مندرج در صورت مجلسهای موجود در پرونده و سایر مدارك و نظر بقرار داد رسمی پیوست دادخواست بدوی پژوهشخوانده و آگهی شماره ۲۶/۳/۱۵ و نامه شماره ۲۲۴۲ - ۲۶۳۹۹ شهر بانی پیوست آن دادخواست سبق تصرف پژوهشخوانده ولحوق تصرف پژوهش-

خواهان محرز و مسلم است و دادسرا هم در این مورد رسیدگیهای لازمه بعمل آورده .

بنا بمراتب بالا چون اعتراض دیگری که مؤثر در این دادنامه پژوهشخواسته باشد ، از طرف پژوهشخواهان نشده ، در نظر دادگاه دادنامه پژوهشخواسته نسبت به آقایان ... و ... خالی از اشکال و بالتیجه استوار می گردد . ولی نسبت بدعوی پژوهشی دو نفر دیگر اگر چه درستون مستأنفین اسامی آنها ذکر شده ، ولی چون در این دادخواست امضایی از آنها مشاهده نمی شود ، با توجه بماده ۷۸ آیین دادرسی مدنی با رعایت ماده ۵۱۳ همان قانون اظهار نظر درباره آنها بی مورد است .

اما اعتراضات پژوهشی و خواهان از قرار رد دعوی مسموع نیست ، چه آنکه در دعوی تصرف عدوانی صرفاً بسبق تصرف خوانان و لحوق تصرف خواننده رسیدگی می شود ، نه بماهیت امر . بنابراین ادعای اینکه حکم بتصرف عدوانی صرفاً بطرفیت اشخاص معین و بدون توجه بشرکت یا شهرداری صادر شود و بحقوق صاحبان کارخانه که تا کنون طرف دعوای اصلی نبوده ، خللی وارد می سازد ، بیوجه است . زیرا دعوای تصرف عدوانی صرفاً تشریفاتی و بدون توجه بمالکیت و سایر حقوق آنها بطرفیت اشخاصی که عدواناً مالی را تصرف نموده اند ، اقامه می شود و چنانچه و خواهان ثالث قایل بحقی برای خود می باشند ، می توانند به محاکم صالحه رجوع و دعوی ماهوی اقامه نمایند . بنابراین در نظر دادگاه قرار صادره خالی از اشکال بوده و نتیجه استوار می شود .»

محکوم علیهم از این حکم فرجام خواسته اند و شعبه ۶ دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۵۲۴-۲۳/۱/۲۸ چنین رأی داده است :

«حکم فرجام خواسته مخدوش است ، زیرا .

اولاً با اینکه اصولاً مرجع رسیدگی دعوی دادرای شهرستان س . بوده ، احاله آن بدادسرای ك . بمناسبت ایراد مدعی تصرف عدوانی بردادستان س . وقبول دادستان ایراد مزبوررا صحیح نبوده است . بلکه بایستی پرونده نزد مأمورین صلاحیتدار دیگر دادگاه س . فرستاده شده باشد ، نه اینکه دادستان قرار عدم صلاحیت آنها را نیز بدهد و پرونده را بدادسرای ك . بفرستند .

ثانیاً صدور حکم بر ضرر فرماندار و پاسبانهها بعنوان اینکه مشارالیه بکلانتری دستور داده و پاسبانهها کارخانه برق و آرد از تصرف فرجامخواننده خارج کرده اند که دعوی بهمین عنوان اقامه شده ، بدون احراز اینکه در موقع اقامه دعوی و جریان آن اشخاص نامبرده در کارخانه مورد ادعا متصرف هستند یا نه ، صحیح نبوده است و دلیلی برای احراز این معنی اقامه نگردیده است . بنابراین حکم فرجامخواسته بجهات مذکور صحیح نبوده ، شکسته می شود و همچنین قرار رد دعوی اشخاص ثالث نیز مخدوش است ، زیرا قرار مزبور به این استدلال صادر گردیده که دعوی اشخاص ثالث راجع بماهیت امر است و در دعوی تصرف عدوانی صرفاً بسبق تصرف و لحوق آن رسیدگی می شود و حال اینکه اشخاص ثالث نیز مدعی تصرف خود بوده اند و بعلاوه با فرض عدم صلاحیت دادرای و دادگاه ك . برای رسیدگی بدعوی اصلی صالح برای رسیدگی بدعوی اشخاص ثالث نیز نخواهد بود .

بنا بر این قرار مورد رسیدگی فرجامی نیز شکسته می شود و رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه ك . ارجاع می گردد .

* * *

گرچه مطالب و استدلالاتی که هر يك از محاکم و مراجع مزبور

برای اثبات نظر خود در جریان این دعوی ابراز و اعلام داشته‌اند، هر کدام در خور مطالعه دقیق و شناسایی ارکان دعوی تصرف عدوانی که از بدو امر تا خاتمه ادعا ممکن است پیش بیاید، بسیار ارزنده و در جای خود قابل توجه و دقت است، ولی چون ما این حکم را باز کر تمام جزئیات بدان لحاظ مورد نظر قرار داده‌ایم که بینم دادستان شهرستان که در دعوی تصرف عدوانی رسیدگی می‌کند، آیا در معرض این نوع اعتراضات، مخصوصاً ایراداتی که ممکن است بقاضی دادگاه بخش که قاضی نشسته است، بشود، می‌تواند واقع شود؟ و ثانیاً در مورد احاله دعوی تصرف عدوانی بعلل مذکور در حکم تا چه اندازه ذیحق است و از عمومات قانون آیین دادرسی مدنی می‌توان استفاده نمود؟

از آنجا که هیچ نوع اصول محاکمه اختصاصی برای دادستانها که استثنائاً بکار تصرف عدوانی رسیدگی می‌نمایند، وضع نشده و مطالبی که بعنوان آیین نامه مصوب ۱۳۰۹ اعلام و در دسترس قرار گرفته، صرفاً دستور عمل یاراهنمایی قضایی است، ولی چون در هر حال ارزش کار دادستانها در این موارد برای اصحاب دعوی، مخصوصاً در مراجعی که تکلیف اراضی کاملاً بعلت عدم صدور برگ مالکیت فیصله نیافته، قانون مزبور برای حفظ وصیانت اموال مردم بهترین پشتیبان است. و نمی‌توان منکر موقعیت قضایی دادستانها بود، چه بهتر است که مواد اصول محاکمات را در جایی که اصطلاحاً بمنافع خصوصی مردم مزبور دارد، سوای قسمتی که لطمه بتصرف می‌زند، حفظ وصیانت نمود و از آن جمله است عدم احاله دعوی تصرف عدوانی بعللی که دیوانعالی کشور بدان متعرض و حکم را از اعتبار انداخته است. زیرا قانون تصرف عدوانی ناظر بمال غیر منقول است و ارتباطی بفرد ندارد و بچنان معاذیری دادستانها نمی‌توانند از رسیدگی امتناع نمایند، بلکه با کسب اجازه از مقامات وزارت دادگستری می‌توانند موقه دادیار

دیگری را از حوزه قضایی دیگری بکار بکارند و رفع اشکالات متصور را بنمایند.

در هر حال دعوی تصرف عدوانی در مال غیر منقول تابع واقع شدن ملك در حوزه قضایی دادستانی است و احالۀ دعوی که در امر کیفری با اجازه مقامات دیوان کشور امکان پذیر است، در همه امور مورد صلاحیت دادستانها قابل تسری نیست و غیر از سرگردانی اصحاب دعوی نتیجه ای بدست نخواهد داد. مضافاً باینکه قرار عدم صلاحیت یا اقرار رد دعوی مطابق مقررات قانون تصرف عدوانی بهیچ وجه قابل شکایت پژوهشی نیست، چه آنکه صرفاً حکمی که بر خلع ید صادر شود، قابل رسیدگی پژوهشی خواهد بود.

این است که امتناع از رسیدگی بدعوی یا صدور قرار عدم صلاحیت یا عدم توجه دعوی یا عدم قابلیت استماع دعوی هیچ کدام با توجه بمفهوم مخالف ماده دو قانون طرز جلوگیری از تصرف عدوانی قابل رسیدگی استینافی نبوده و در حقیقت احالۀ دعوی تصرف عدوانی از حوزه ای بحوزه دیگر خود استنکاف از رسیدگی محسوب و تخلف پذیر است ...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی